



در دفاع از اسلام

قطعه‌نامه ۱۹۸۸ به این صورت مطرح شده است: «پارلمان اروپا هرگونه اعمال نژادپرستانه‌ای را که مخالف سنت‌های دموکراتیک جامعه اروپا باشد محکوم می‌نماید...» این بدان معنی است که پارلمان اروپا هیچ‌گونه سوء قصد نژادپرستانه‌ای را علیه یک مسلمان یا هندو محکوم نخواهد کرد، زیرا هیچ‌کدام از این مذاهب حتی مذهب مسیحیت جزء سنت‌های دموکراتیک اروپا محسوب نمی‌شوند. سنت دموکراتیک اروپا با به آتش کشیدن کلیساها، تجاوز به راهبه‌ها، بی‌آبرو کردن

جنگ «چادر» در سال ۱۹۸۹ در فرانسه آغاز گردید. سه دختر دانش آموز به دلیل داشتن روسری از مدرسه‌ای که در آن درس می‌خواندند، اخراج شدند. بدین ترتیب فرانسه بار دیگر لذت دیوانه‌وار استفاده از گیوتین را در رؤیا می‌دید. حتی سازمان‌های ضد نژادپرست نیز فرصت را جهت انتقاد از سمبل‌های مذهبی در مدارس غنیمت شمردند و چهره واقعی خود را نشان دادند. اصالت ضد نژادپرستی آنها بر چه پایه‌ای قرار دارد؟ شاید مشابه اصالت ضد نژادپرستانه پارلمان اروپاست که در

تمدن‌های سنتی برای دفاع از خود در برابر کسانی که قصد ویران کردن آنها را دارند، محق می‌باشند. این اصل مشروعی است که به نظر می‌رسد غرب مدرن و دموکراتیک و تمدن قرن معاصر نسبت به آن سخت‌گیر بوده و حاضر به رعایت آن نیست. این امر تنها دلیلی است که اقوام مسلمان، که هنوز از ریشه‌ها و اعتقادات خود دفاع می‌کنند، به خاطر آن سر به شورش برمی‌دارند و سعی می‌کنند در مقابل آنچه که حمله علیه تبعیض به نظر می‌آید، هوشیارانه عمل کنند.

کشیش‌ها و اخراج عیسویان متولد گردید. گروه‌های دیگر از جمله زن سالارها نیز از این موقعیت استفاده کرده و حمله به روسری را به عنوان «ظلم و زورگویی به زنان»، قلمداد می‌کنند. دو نماینده سوسیالیست پارلمان فرانسه، در اعتراض به استفاده از چادر و تمسخر آن، در انتظار عمومی با چادر وارد پارلمان شدند (این دو نماینده از اعضاء گروهی هستند که در سال ۱۹۳۶ در خیابان‌های مادرید با لباس کشیش‌ها و راهبه‌ها برای به تمسخر کشاندن چادر ظاهر شدند). به هر حال دولت، روسری را در صورتی که یک عمل «تحریک‌آمیز و تبلیغاتی مذهبی» نباشد، موقتاً پذیرفت. اما این امر هم نتوانست آرامش را در پی داشته باشد. سرانجام دولت فرانسه استفاده از حجاب اسلامی برای دختران مسلمان در مدارس فرانسوی را ممنوع اعلام کرد. دلیل حقوقی این امر چه بود؟ آیا در فرانسه که یک کشور لائیک است، سمبل‌های مذهبی به عنوان توهین به افرادی که اعتقاد مذهبی ندارند، قلمداد می‌شود؟

این امر مسلم است که در فرانسه معتقدین هیچ‌گونه مصونیت حقوقی در مقابل حملات مشرکین ندارند؛ اما در مقابل، مشرکین در برابر توهین‌های معتقدین در امان می‌باشند. آیا در فرانسه قانونی وجود دارد که در آن، اخراج یا مجازات کسانی که به گردن خود صلیب معکوس (سمبل شیطان‌پرستان) می‌آویزند، پیش‌بینی شده باشد. آنچه در فرانسه مجازات می‌شود، اعتقادات خداپرستانه است؛ در مقابل خدانشناسی برای قوه قضاییه فرانسه، یک امر طبیعی است.

چرا دولت فرانسه فرمان تخریب کلیسای تتردام را نمی‌دهد؟ آیا این کلیسا یک سمبل «قابل رؤیت» نیست؟ دلیل آن کاملاً مشخص است، زیرا این کلیسا باعث سرازیر شدن ارز به خزانه دولت می‌شود. کلیسای تتردام یک معبد نیست بلکه یک بنای تاریخی و ملی است که در آینده به موزه تبدیل خواهد شد، برخی از مفسرین مطبوعات، از جمله

کسانی که کتاب‌های ابن عربی و ابن رشد را نخوانده‌اند، اخیراً طی انتشار گزارشی پیرامون بنیادگرایی در شمال آفریقا اظهار تأسف نموده‌اند که جامعه اسلامی اعتقادات خود را براساس خانواده و مسجد بنا نموده و برای و فیرهنگ غرب و تفریحات آن ارزشی قائل نمی‌شوند.

این روزنامه‌نگاران به خانواده و مسجد به گونه‌ای نگریسته‌اند که گویی اینها اثری بر شکل‌گیری شخصیت و معنویت جوانان ندارند، یعنی همان چیزی که در غرب فراموش شده است. اگر جوانان عرب به جای نوشیدن مشروب و پرداختن مداوم به امور جنسی که عادت جوانان غرب است، به بازی فوتبال بپردازند، این نکته آنها را عمیقاً متأسف می‌کند.

غرب امروز که هیچ اهمیتی به ارتقاء معنوی نمی‌دهد، نسبت به هر آنچه که خارج از نگرانی روزمره خود مانند دنیای رقابت، جاه‌طلبی و یا تفریحات سطحی‌اش قرار گیرد، احساس ناآرامی و اختلال می‌کند.

به هر تقدیر باید حق و حقوق تمدن‌های سنتی را برای دفاع در برابر حملات مداوم تمدن مدرن و براساس اصول مقدس خود آنها پذیرفت. تحمیل استفاده از چادر برای زنان، برخلاف مسلمانان که آن را امر طبیعی و مطابق با اصول زینت می‌دانند، برای غربیان خجالت‌آور تلقی می‌شود. آیا داستان مردی که به علت اعتقادش قصد جلوگیری از سقط جنین همسرش را داشته است اما توسط قانون روانه زندان می‌گردد، خجالت‌آور نیست؟ این شیوه حقوقی غرب امروز است که همواره سگهای شکاری خود را برای به جان مردان با شرف انداختن، آماده دارد. با بررسی اجمالی در طول تاریخ درمی‌یابیم که افراد خاصی مورد حمایت غرب بوده‌اند، از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱ - رییس جمهور الجزایر می‌گوید: «زمانی که ویرترین مغازه‌ها پر شوند، مساجد خالی خواهند شد.» آیا می‌توان مردی را که برای دستیابی به حمایت مردمش خرید

کالاهای مصرفی غرب را توصیه می‌کند، شرقی، مسلمان و یا الجزایری محسوب نمود؟ او غربی‌تر از خود غربیان است.

۲ - تسلیمه نسرین: وی در نوشته‌های خود واقعیت را بیان نمی‌کند بلکه با احساسات «بنیادگرایان» مسلمان بازی می‌کند. وی می‌گوید: «باید فعالیت احزابی را که برپایه مذهب بنا شده‌اند، ممنوع ساخت.» نسرین در قسمتی از نوشته‌های خود این گونه می‌گوید: «امروزه وجود قرآن ضروری نیست، چرا که موجب توقف پیشرفت و سلب آزادی زنان می‌گردد.» یا همچنین در جایی دیگر بیان می‌کند: «در یک جامعه مدرن نیازی به کتب مذهبی نیست، چرا که هدف آنها حفظ برتری مردان بر زنان می‌باشد.» وی به خود جرأت صدور فتوی نیز داده است و می‌گوید: «آدمهای مذهبی فاقد هرگونه بینش وسیع می‌باشند.» هنگامی که وی در ۲۳ نوامبر سال گذشته وارد پاریس شد، دولت فرانسه بیش از هزار و دویست پلیس برای حفظ امنیت او گمارد. کشور فرانسه حتی به هنگام دیدار رهبران مهم بین‌المللی نیز تا این حد پیش‌بینی‌های امنیتی را به چشم خود ندیده بود. فرانسه‌ای که خود را «مرکز تمدن جهانی» می‌داند، چگونه می‌تواند از کسی که نوید جهانی بدون مذهب را می‌دهد، پذیرایی کند؟

همچنین لازم به ذکر است که در ماه دسامبر، پارلمان اروپا در برابر اعتراض روشنفکران و نویسندگان مهم فرانسه، جایزه سارایوو را به تسلیمه نسرین اعطاء کرد.

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مادرید